



Implementing The Tactical Urban Planning Procedure To Solve The Local Participation System Inefficiency (Study Sample: Pamemar Neighborhood, Historical Context of Kerman)

Ehsan Anjomshoa, Reza Ahmadian , Varaz Moradi masihi

¹- Ph.D Student in Urban Planning, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

²- Assistant Professor, Department of Urban Planning, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. **E-mail:** reza.ahmadian@iauz.ac.ir

³- Assistant Professor, Department of Urban Planning, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Article Info	ABSTRACT
Article type: <i>Research Article</i>	<p>Introduction: The fields of urban planning and city construction in the country, particularly in dysfunctional historical contexts (including the historic neighborhood of Pamemar in Kerman, as a case study), face a number of issues and challenges. In some districts, there are problems that the country's planning system cannot solve, neither financially nor technically, nor discursively. In this regard, contemporary urban planning can be effective by changing from top-down and imperative approaches to bottom-up and participatory approaches in the form of a tactical urban planning approach as one of the new types of urban planning in dysfunctional urban contexts. Consequently, the present study was conducted by identifying and prioritizing tactical projects, emphasizing increasing participation and implementing these projects in urban spaces (case study: Pamemar neighborhood of Kerman).</p> <p>Data and Method: This research has an applied purpose and falls into the mixed research category in terms of analysis. We used a field visit and an expert questionnaire (basics of pairwise comparison). The focus group method included citizens, municipal officials, and officials from the Office for Facilitating the Reconstruction of Inefficient Areas in the Pamemar neighborhood.</p> <p>Results: Thirteen tactical projects were developed and weighed to involve the residents in the Pamemar neighborhood in solving the identified issues using expert knowledge and the pairwise comparison method. Also, the order and priority of each of these cases were determined. This weighting was performed according to the seven previously identified criteria for tactical urban planning, and then eight of the mentioned projects were implemented with the participation of neighborhood residents.</p> <p>Conclusion: The current study demonstrated that by using this method, small but very effective and essential parts of citizens' needs can be met by considering residents' active role as real stakeholders, which high-level projects related to dysfunctional urban contexts could not do.</p>
Article history: Received: <i>02 June 2021</i> Revised: <i>10 October 2021</i> Accepted: <i>08 February 2022</i> Published online: <i>21 March 2022</i>	
Keywords: <i>participation,</i> <i>neighborhood,</i> <i>urban space,</i> <i>historical context,</i> <i>tactical urban planning,</i> <i>Pamemar neighborhood.</i>	


Cite this article: Anjomshoa, Ehsan., Ahmadian, Reza., Moradi masihi, Varaz. (2022). Implementing The Tactical Urban Planning Procedure To Solve The Local Participation System Inefficiency (Study Sample: Pamemar Neighborhood, Historical Context of Kerman). *Urban Social Geography*, 9 (1), 143-159. <http://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2065>



© The Author(s).

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: <http://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2065>

¹- **Corresponding Author:** Ahmadian, R., Department of Urban Planning, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.  reza.ahmadian@iauz.ac.ir  (+98) 9123257345

English Extended Abstract

Introduction

The fields of urban planning and city construction in the country, particularly in dysfunctional historical contexts (including the historic neighborhood of Pamenar in Kerman, as a case study), face a number of issues and challenges. In some districts, there are problems that the country's planning system cannot solve, neither financially nor technically, nor discursively. In this regard, contemporary urban planning can be effective by changing from top-down and imperative approaches to bottom-up and participatory approaches in the form of a tactical urban planning approach as one of the new types of urban planning in dysfunctional urban contexts. Consequently, the present study was conducted by identifying and prioritizing tactical projects, emphasizing increasing participation and implementing these projects in urban spaces (case study: Pamenar neighborhood of Kerman).

Data and Method

This research has an applied purpose and falls into the mixed research category in terms of analysis. We used a field visit and an expert questionnaire (basics of pairwise comparison). The focus group method included citizens, municipal officials, and officials from the Office for Facilitating the Reconstruction of Inefficient Areas in the Pamenar neighborhood.

Results

The current study demonstrated that by using this method, small but very effective and essential parts of citizens' needs can be met by considering residents' active role as real stakeholders, which high-level projects related to dysfunctional urban contexts could not do.

Conclusion

Thirteen tactical projects were developed and weighed to involve the residents in the Pamenar neighborhood in solving the identified issues using expert knowledge and the pairwise comparison method. Also, the order and priority of each of these cases were determined. This weighting was performed according to the seven previously identified criteria for tactical urban planning, and then eight of the mentioned projects were implemented with the participation of neighborhood residents.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حل ناکارآمدی نظام مشارکت محلی با کاربست رویه شهرسازی تاکتیکی

(نمونه مورد مطالعه: محله پامنار، بافت تاریخی شهر کرمان)

احسان انجم شعاع، رضا احمدیان^۱، وراز مرادی مسیحی

^۱ - دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ - استادیار گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: reza.ahmadian@iauc.ac.ir

^۳ - استادیار گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: مشارکت، محله، فضای شهری، بافت تاریخی، شهرسازی تاکتیکی، محله پامنار.</p>	<p>مقدمه: ساخت برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی کشور و به طور خاص در حوزه بافت‌های تاریخی ناکارآمد کشور (از جمله محله تاریخی پامنار کرمان، به عنوان نمونه مورد مطالعه)، درگیر مسایل و چالش‌های متعددی هستند. بافت‌هایی که نه به لحاظ مالی و نه به لحاظ تکنیکی و گفتمانی سیستم برنامه‌ریزی کشور قادر به برطرف نمودن آن‌ها نیست. در این راستا، شهرسازی معاصر با تغییر پارادایمی نظیر بالا_آمرانه به پایین_مشارکتی در قالب رویکرد شهرسازی تاکتیکیال به‌منابه یکی از گونه‌های نوین شهرسازی در ارتباط با بافت‌های ناکارآمد شهری، می‌تواند کارآمد باشد. در راستای مقدمه ذکر شده، پژوهش حاضر با شناسایی و الویت بندی پروژه‌های تاکتیکیال با محوریت افزایش مشارکت‌جویی و نیز اجرایی نمودن این پروژه‌ها در فضاهای شهری بافت‌های تاریخی کشور (نمونه مورد مطالعه: محله پامنار شهر کرمان) به انجام رسیده است.</p> <p>داده و روش: این پژوهش دارای هدف کاربردی و به لحاظ نوع تحلیل، در گروه تحقیقات آمیخته، یا به عبارتی کمی-کیفی قرار می‌گیرد. روش میدانی مورد استفاده، شامل بازدید میدانی و پرسشنامه کارشناسی (مبانی مقایسه زوجی) و روش فوکس گروپ، متشکل از شهروندان، مسئولین شهرداری و مسئولان دفتر تسهیلگری بازآفرینی بافت ناکارآمد محله پامنار بوده است.</p> <p>یافته‌ها: در راستا رفع مشکلات و مسایل شناسایی شده، ۱۳ پروژه تاکتیکیال تدوین و به‌منظور دخالت و مشارکت شهروندان در محله پامنار با استفاده از دانش کارشناسی و به روش مقایسه زوجی مورد وزن دهی قرار گرفت و ترتیب و اولویت هر کدام از این موارد شناسایی گردید. این وزن دهی، با توجه به هفت معیار (مشارکتی بودن، خلاقانه، کم هزینه، انتقادی، از پایین بودن، محلی، و غیر سلسله مراتبی) شهرسازی تاکتیکیال که پیشتر شناسایی شده بود، به انجام رسید و در ادامه، ۸ مورد از پروژه‌های یاد شده با مشارکت شهروندان محله، به اجرا در آمد. روش شهرسازی تاکتیکیال، به منظور توسعه درون زای محلی، نقش برنامه ریز را به مثابه راهنما یا تسهیلگر در نظر می‌گیرد.</p> <p>نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان داد که با به‌کارگیری این روش میتوان بخش‌های کوچک، اما به شدت موثر و ضروری از نیازهای شهروندان را با در نظر گرفتن نقش فعال برای ساکنین به‌عنوان ذینفعان واقعی برآورده نماید، امری که طرح‌های بلندبالی مرتبط با بافت‌های ناکارآمد شهری از تامین آن‌ها عاجز هستند.</p>

استناد: احسان انجم شعاع، رضا احمدیان، وراز مرادی مسیحی. (۱۴۰۱). حل ناکارآمدی نظام مشارکت محلی با کاربست رویه شهرسازی تاکتیکیال (نمونه مورد مطالعه: محله پامنار، بافت تاریخی شهر کرمان). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۹(۱)، ۱۵۹-۱۴۳. DOI: <http://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2065>



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

DOI: <http://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2065>

مقدمه

شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری معاصر به دنبال تأیید تدریجی برخی از پدیده‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه نارسایی‌های برنامه‌ریزی، در زمینه اهداف، بازیگران، روش‌ها و ابزارها تغییراتی را شاهد بوده است. این تغییرات از گسترش به تولید مجدد شهر یکپارچه، از طریق مفاهیم بازیابی، توسعه مجدد، توسعه مشارکتی، از پایین، غیرسلسله‌مراتبی ختم شده است (Fayoumi, 2017)، فرایندی که فرجام آن به انعطاف‌پذیری، استفاده مجدد، برگشت‌پذیری و موقتی بودن مداخلات منتهی شده است (Du et al, 2018).

از این رو با توجه به اهمیت و نقش روش‌های کاربردی مبتنی بر حضور و مشارکت بیشتر مردم و تأکید بر محله محوری در فرایندهای تدوین، طراحی، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، رویکرد شهرسازی تاکتیکی (به‌مثابه یکی از گونه‌های معاصر در شهرسازی) شامل تغییراتی موقتی و کم‌هزینه در محیط ساخته‌شده است که معمولاً در شهرها و برای بهبود کیفیت محله‌ها و مکان‌های تجمع شهری در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، و بیشتر به دنبال محدودیت‌های تحمیل شده توسط یک رویداد عصری مانند همه‌گیری COVID-۱۹، آزمایش‌های تاکتیکی شهری بیش از پیش به تکنیکی کارکردی در شهرهای پیشرو جهان بدل شده است (Seo, 2022). اما در حوزه برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی معاصر در ایران وضعیت به گونه‌ای دیگر است، پافشاری بر رویکردهای قدیمی، حتی با تغییر نام و شکل‌های ظاهری (تغییر از برنامه‌ریزی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده به بازآفرینی شهری) گونه‌ای از برنامه‌ریزی شهری ناکارآمد را در کشور جاری نموده است. بدین معنی، اصول حاکم بر گفتمان برنامه‌ریزی شهری کشور کماکان از بالا، غیر مشارکتی و غیر منعطف است. از این رو در راستای رفع چالش‌های موجود در طرح‌های توسعه شهری ایران، توجه به رویکردهای مشارکتی، جامعه‌محور و محله محور بسیار واجد اهمیت است که ضمن ایجاد هم‌افزایی و همگرایی در سطح محلی سبب بروز ایده‌ها و طرح‌های خلاقانه شده و باعث استفاده حداکثری از ظرفیت‌های محلی می‌شود. لذا در شهرسازی تاکتیکی شهروندان ساکنین و ذینفعان اصلی فضای زیست شهری خود هستند و شایسته‌ترین افراد جهت تغییر و توسعه محله، اعمال مدیریت و اجرای طرح‌ها و ایده‌ها در نظر گرفته می‌شوند. برنامه‌ریزان تاکتیکی برای این فعالیت‌ها از افراد محلی، به عنوان عوامل افراد کلیدی (و گروه‌های مردم نهاد و داوطلب) استفاده می‌کنند و همه آن‌ها را درگیر فعال‌سازی فضای عمومی می‌نمایند (Merker, 2021) این رویه این فرصت را فراهم می‌آورد تا مفاهیم جدید قبل از اجرا آزمایش شوند (در قالب همفکری گروه‌ها و افراد از جایگاه و موقعیت متنوع ارزیابی شوند). بر این اساس، شهرسازی و برنامه‌ریزی تاکتیکی به دنبال تحقق سطوح عالی مشارکت شهروندان در محلات خود است، این سطح در بالاترین سطح صلاحیت و اختیار جامعه محلی و کنش شهروندی قرار دارد، که همانا توانمندسازی جامعه محلی است.

بنابراین، نگاه پژوهش حاضر، هرچند به صورت فرمیک-تخصصی، مبتنی بر رویکرد تاکتیکی است، اما در معنا، در پی طرح و بسط گونه‌ای از برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی مشارکتی است، که با حرکت به سمت توانمندسازی جامعه، محرکی درونی برای ایجاد تحول در فضاهای ناکارآمد شهری (و نیز فضاهای نسبت کارآمد) خلق نماید. در راستای مفاهیم ذکر شده، بررسی چگونگی شناسایی طرح‌ها و پروژه‌های تاکتیکی مشارکتی در محدوده محله پامنار کرمان (محله‌ای با هویت تاریخی و فرهنگی قابل توجه و در عین حال درگیر با مشکلات اجتماعی، اقتصادی، محیطی، کالبدی...) و نیز اجرا این پروژه‌ها هدف پژوهش حاضر قرار گرفته است.

پیشینه نظری

بخش مهمی از مقوله‌های مرتبط با دلایل ناکارآمدی طرح‌های توسعه شهری در کشور، در عدم توجه به مقصد اجرای طرح، نادیده انگاشتن جامعه مقصد و ویژگی‌های آن، و در یک کلام عدم توجه به مقوله مشارکت بوده است. از طرف دیگر، ابهامی بنیادین در درک مقوله مشارکت (که به صورت فرمیک در تمام طرح‌ها گنجانده می‌شود) وجود دارد. اینکه چگونه می‌توان به سطح معقول-عینی از مشارکت در جامعه دست یافت. جهت پاسخ به مسئله تعریف مشارکت، بایستی به نظریات عمده مشارکت مراجعه نمود. نظریه‌های عمده این حوزه، نردبان مشارکت و چرخه مشارکت هستند. در مدل چرخه مشارکت، کل فرآیند مشارکت به چهار مرحله (اشتراک‌گذاری اطلاعاتی، مشاوره، مشارکت و توانمندسازی) تقسیم شده است. در مرحله اشتراک‌گذاری اطلاعاتی، پروژه‌ها و طرح‌های موردنظر از سوی دستگاه، سازمان، دولت یا دولت محلی در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد. در مرحله مشاوره، دولت (و یا زیرمجموعه آن یعنی دولت محلی) اقدام به نظرخواهی در برخی حوزه‌های محدود از شهروندان می‌نماید. در مرحله مشارکت، دولت، نهاد و یا سازمان مربوطه اقدام به سنجش نظرات شهروندان و انعکاس واقعی آن‌ها در طرح‌های در دست اجرا می‌نماید. همچنین در مراحل بالای این سطح اداره محدود برخی امور به شهروندان واگذار می‌گردد. مرحله نهایی (توانمندسازی) اوج آمال جامعه مدنی است. مرحله توانمندسازی، بسته به نوع طرح، اجراء، اداره امور به شهروندان، تشکلهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد واگذار می‌گردد (Seo, 2022). بدین طریق، تنها گنجاندن گونه‌ای از مشارکت که دارای هدف، روش‌شناسی توانمندسازی (دقیقا بر مبنای نظریه نردبان مشارکت)، می‌تواند به عمل مشارکتی در جامعه ختم گردد، عملی که توانمندی و توسعه درون‌زای جامعه محلی را در پی خواهد داشت. از طرفی شهرسازی تاکتیکی با تأکید بر اصولی نظیر: رویکرد آگاهانه و مرحله‌ای برای تحریک تغییر و تحول؛ ارائه راه‌حل‌های محلی برای مقابله با چالش‌های برنامه‌ریزی محلی؛ تعهد کوتاه‌مدت و انتظارات واقع‌بینانه؛ کم‌خطر، با پاداش احتمالاً زیاد؛ و توسعه سرمایه اجتماعی بین شهروندان و ایجاد ظرفیت سازمانی بین نهادها و مؤسسات خصوصی - دولتی، غیرانتفاعی و اعضای سازنده آن‌ها (Webb, 2018) به دنبال شناسایی و تدقیق راه‌حل‌های ممکن برای احیا و بازآفرینی حیات شهری در بافت‌های شهری است. به‌طور کلی می‌توان چنین مطرح نمود که شهرسازی تاکتیکی می‌تواند بستر مناسبی برای ایجاد ارتباط نزدیک از پایین به بالا بین گروه‌های مختلف جامعه و مقامات دولتی برقرار کند تا فرصتی برای ترویج تجارب شهری جدید، تخصیص منابع، حفظ محیط‌زیست شهر و دموکراتیزه کردن نحوه استفاده از منابع شهری در بستر مشارکت اجتماعی جامعه مدنی ایجاد نماید. (Barata & Fonte, 2017). از شهرسازی تاکتیکی معمولاً به عنوان شهرسازی چریکی، شهرسازی پاپ آپ، تعمیر شهر یا D.I.Y نیز یاد می‌شود. پروژه‌های شهرسازی تاکتیکی از نظر دامنه، اندازه، بودجه و پشتیبانی متفاوت هستند. پروژه‌ها غالباً به عنوان مداخلات مردمی آغاز می‌شوند و به شهرهای دیگر سرایت می‌کنند و در برخی موارد به عنوان بهترین روش توسط دولت‌های شهری پذیرفته می‌شوند (Vallance et al, 2018). شهرسازی تاکتیکی نشان‌دهنده واکنش نهایی حواس شهروند به محیط شهری است: اقدام مترقی و خودگردان نسبت به بسیاری از موضوعات مانند زیست‌پذیری عمومی، افزایش سرمایه اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی است (Gulati, 2020). این حواس به‌عنوان استراتژی‌های مقیاس خرد در نظر گرفته می‌شوند، که بر سکونت، اشتغال و تفرج در سطح محله‌ها تاثیر عمده دارند. این فعالیت‌ها به صورت مستقیم بر خیابان‌ها به عنوان ستون فقرات و مخزن اصلی فضای عمومی تاثیر می‌گذارند، بر این اساس، روح شهرسازی به رهبری شهروند در روندی فعال بر آفرینش و برآورده ساختن نیازهای

ضروری خیابان شهری تاثیر می‌گذارد (Lydon et al, 2015). از این رو بهبودهای غیررسمی توسط شهروندان با شرایطی که اعمال می‌کنند ایجاد می‌شود، که گویای نشانه‌های فرآیندهای برنامه‌ریزی و توسعه ناپیوسته است که هر روز توسط ساکنان تجربه می‌شود (Lak et al, 2020). در این راستا یکی از مناسب‌ترین و کاربردی‌ترین روش‌ها برای جلب مشارکت شهروندی در فرایندها تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری در مسائل شهری روش محافظت از میراث شهری است. شرح، شاخص‌های این روش در جدول زیر ذکر شده است:

جدول ۱- فرایند و نتایج ارزیابی مشارکت شهروندی در ابتکارات روش محافظت از میراث شهری

منابع	تشریح	شاخص‌ها	فرایند
Gastil (2006), Steiner et al. (2003), Stromer-Galley (2007), Williamson (2004)	به مشارکت‌کنندگان فرصت برابری برای شرکت در مباحث فعالیت مشارکتی داده می‌شود.	برابری	گفتگو
Edwards et al. (2008), Innes and Booher (2003), Nabatchi (2007)	مشارکت‌کنندگان در یک فضای دوستانه تعامل می‌کنند و به همدیگر احترام می‌گذارند.	اعتماد	
Edwards et al. (2008), Steiner et al. (2003)	گفتگوها آزاد و بی‌تعصب انجام خواهد شد و مشارکت‌کنندگان به همدیگر احترام می‌گذارند.	احترام	
Nabatchi (2007), Stromer-Galley (2007), Steiner et al. (2003)	مشارکت‌کنندگان ایده‌های متفاوتی را مطرح می‌کنند و تلاش می‌کنند تا به تفاهم برسند.	اختلاف	
Stromer-Galley (2007)	مشارکت‌کنندگان به گفتمان‌های دیگر ارجاع داده می‌شوند یا گفتمان آن‌ها را به ایده‌ها و موضوعات دیگری که سایر مشارکت‌کنندگان مطرح می‌کنند، ارجاع می‌دهند.	عمل متقابل	
Edwards et al. (2008), Nabatchi (2007), Steiner et al. (2003)	شرکت‌کنندگان با مفهوم گسترده‌تری از رضایت مواجه می‌شوند، و منافع اجتماعی به جای منافع فردی و گروهی برایشان مطرح می‌گردد.	رضایت	
Edwards et al. (2008), Stromer-Galley (2007), Steiner et al. (2003)	به مشارکت‌کنندگان فرصت گفتگوی متقابل درباره ایده‌هایشان داده می‌شود.	گفتگو	دانش و ادراک
Edwards et al. (2008), Hitchcock et al (2001), Nabatchi (2007)	مشارکت‌کنندگان می‌توانند مواد و اطلاعات داده شده (به آن‌ها) را درک و فهم نمایند.	فهم	
Edwards et al. (2008)	به مشارکت‌کنندگان فرصت یادگیری متقابل داده می‌شود. مجموعه‌ای از دانش‌ها، نظرات و ایده‌ها مطرح، اشتراک‌گذاری و یاد گرفته می‌شوند.	یادگیری جمعی	
Edwards et al. (2008), Nabatchi (2007), van de Kerkhof (2006)	مشارکت‌کنندگان بر ایده‌ها و منطق خویش آگاهی می‌یابند یا به درک عمیق‌تری از دیگران (ایده‌ها و وضعیت دیگران) نائل می‌آیند.	انعطاف	
Stromer-Galley (2007), Steiner et al. (2003)	مشارکت‌کنندگان از میان مباحث مطرح شده مسائل اصلی را بازیابی می‌کنند.	عنوان	

منبع: (Mannarini & Talò, 2013)

پیشینه عملی

در مطالعات داخلی و خارجی چندین پژوهش در مورد رویکرد شهرسازی تاکتیکی انجام شده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ساشورپور و ذوالقدر (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان " بررسی اصول شهرسازی تاکتیکی با توجه به عوامل زمینه‌ساز مشارکت مردمی در ایران " بیان می‌دارند: جلب حمایت و مشارکت افراد در پروژه‌های شهرسازی، عامل مهمی است که دستیابی به آن می‌تواند تأثیر بسزایی در روند برنامه‌ریزی‌ها و اجرای طرح‌ها داشته باشد. با توجه به ناکام بودن انواع راهکارهای گذشته در باب بسترسازی به جهت مشارکت عمومی در ایران و افزایش روزافزون میزان نارضایتی مردم از مشارکت در پروژه‌های شهری، یافتن راهی برای جلب نظر شهروندان به جهت مشارکت و حضور فعال داشتن در پروژه‌های شهری همواره از دغدغه‌های اصلی متولیان امر بوده و هست. در ادامه با مطرح ساختن عوامل بسترساز شهرسازی تاکتیکی در جهت مشارکت هر چه بیشتر مردم در کشور، این نتیجه حاصل می‌گردد که استفاده از شیوه شهرسازی تاکتیکی می‌تواند، به‌عنوان رویکردی شهروندگرا، در شرایط نامساعد فعلی کشور در باب عدم مشارکت در پروژه‌های شهرسازی، زمینه‌ساز رضایتمندی مردم را در زمینه مشارکت عمومی در پروژه‌های شهرسازی باشد.

زارع و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "تبیین نقش شهرسازی تاکتیکی در ارتقا کیفیت محیطی بافت‌های تاریخی شهری(نمونه موردی: بافت تاریخی شهر شیراز) بیان می‌دارند: امروزه بافت‌های تاریخی شهرها با افول ارزش‌ها، کیفیات زندگی و محیطی در تمامی ابعاد شهری روبه‌رو شدند و این موضوع در صورتی است که شناخت ارزش‌ها، توانایی‌ها و پتانسیل‌های بافت‌ها تاریخی می‌تواند موجب توسعه و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر گردد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که توجه طراحی محیطی به‌عنوان پاتوق اجتماعی که می‌تواند در حضور پذیری افراد در فضاهای شهری مؤثر باشد، دارای بیشترین اثرگذاری در ارتقا کیفیت محیطی بوده است. پس‌از آن دسترسی به خدمات تجاری و کیفیت طراحی محیطی در ایجاد فضای فراغت‌ی بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، با توجه به مؤلفه‌های بررسی‌شده بر اساس آزمون فریدون به ترتیب مؤلفه‌های حضور پذیری، مشارکت و فراغت قرار گرفته شدند که هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند کیفیت محیطی بافت تاریخی شهر شیراز را بر اساس شهرسازی تاکتیکی موجب شوند.

لیدون و گارسیا (۱۳۹۷)، در اثری با عنوان "شهرسازی تاکتیکی: اقدام کوتاه‌مدت برای تغییر بلندمدت" بیان می‌دارند: دو شیوه شهرسازی کاملاً جدید پدید آمده‌اند که با شرایط قرن بیست‌ویک در تعامل هستند: شهرسازی تاکتیکی و شهرسازی در مقیاس بسیار بزرگ. همچنین مداخلات تاکتیکی بسیار کوچک می‌توانند در کنار یکدیگر، منجر به شکل‌گیری توده‌های از یک پروژه بسیار بزرگ در شهر شوند. تمرکززدایی، تغییرات از پایین به بالا، سرعت عمل شگفت‌آور، برقراری ارتباط با دیگران، کم‌هزینه بودن و استفاده از کمترین فناوری، از جمله ویژگی‌های این روش است.

الرحمان (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان "شهرسازی تاکتیکی، یک تغییر محلی پاپ آپ برای محیط ساخته‌شده در قاهره" بیان می‌دارد: شهرنشینی تاکتیکی، یک رویکرد کم‌هزینه - تغییر موقتی در محیط شهری است که می‌تواند به‌عنوان یک‌راه حل پاپ آپ برای محیط ساخته‌شده قاهره عمل کند. هدف این مقاله برجسته کردن شیوه‌های برنامه‌ریزی نشده یا سنتی است که توسط ساکنان، نهادها یا ابتکارات محلی انجام شده است، که اصول "شهرسازی تاکتیکی" را اجرا می‌کنند، در بیشتر موارد این اقدامات به‌صورت اختیاری (بدون برنامه‌ریزی مشخص و به‌صورت خودبه‌خود) صورت گرفته است.

داده‌ها و روش‌شناسی

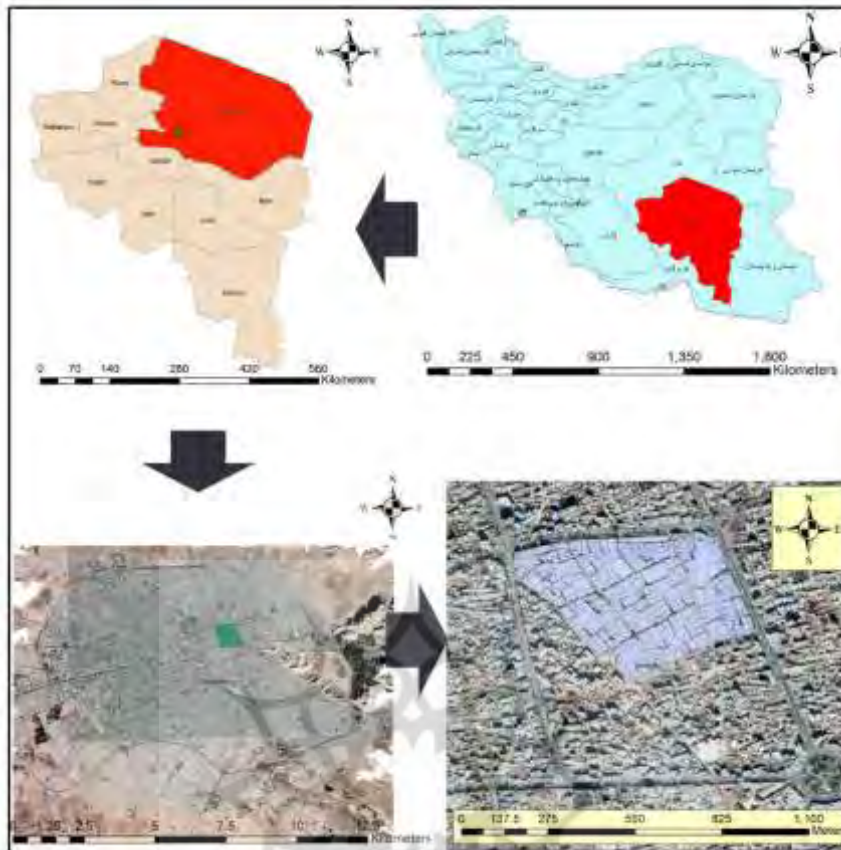
از نظر جهت‌گیری پژوهش، از نوع «تحقیقات کاربردی» محسوب می‌شود و روش پژوهش حاضر، از نوع پژوهش آمیخته و یا به تعبیری پژوهش تلفیقی، پژوهش چند روشی و ترکیبی است و بنا بر ماهیت پژوهش پیشرو، از روش تربیتی بهره گرفته شده است.

در این پژوهش با توجه به ضرورت جمع‌آوری اطلاعات از دو روش «مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای» (اسناد مرتبط با طرح‌های جامع و تفصیلی شهری و فایل‌های بخش کالبدی و نقشه‌های بلوک‌های آماری سرشماری نفوس و مسکن در دوره‌های مختلف، مبنای تحلیل اسنادی پژوهش است. بدین منظور از مجموعه نرم‌افزاری آفیس، SPSS و نرم‌افزار تحلیل داده‌های مکانی ArcMap استفاده شد.) و «مطالعات میدانی» به عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، استفاده شده است. روش میدانی مورد استفاده، شامل بازدید میدانی و پرسشنامه کارشناسی بوده است.

اطلاعات تحلیلی مورد استفاده در این پژوهش، شامل مصاحبه شهروندان، جهت شناسایی مسایل و مشکلات شهروندان در محله پامنار بوده است. این جامعه برابر با ۲۵۷۷ نفر بوده است. از این تعداد با معیار اشباع نظری، ۸۴ نفر مصاحبه صورت گرفته است. همچنین، بازدید میدانی جهت شناسایی انواع مختلف فضا در محله به کار رفته است. در ادامه، ترکیب دو بخش یاد شده، توسط پژوهشگر، منجر به ایجاد پروژه‌های تاکتیکی برای محدوده محله پامنار شده است (سه بخش یاد شده به صورت دقیق و جز به جز در مقاله‌ای جداگانه ارائه شده است) در ادامه، به منظور تعیین اولویت پروژه‌ها از روش تحلیل سلسله‌مراتبی، به منظور تعیین اولویت اجرایی پروژه‌ها استفاده شده است. روش هدفمند غیرتصادفی، تعداد نمونه کارشناسی با معیار آشنایی با مقوله پروژه‌های تاکتیکی را ۱۰ نفر شناسایی نموده روش مراجعه نیز تکنیک گلوله برفی بوده است و میانگین این اوزان در نرم‌افزار ExpertChoice 11 وارد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به منظور تایید روایی پژوهش از نظرات اساتید راهنما و مشاور ناظر بر طرح (رساله دکتری) استفاده گردید. به منظور بررسی سطح پایایی پژوهش، از شاخص نرخ ناسازگاری (با استاندارد ۰,۰۵) استفاده و پایایی پژوهش به تایید رسید. در ادامه، با استفاده از روش Focus Group، پروژه‌های اولویت‌بندی شده در اختیار بخش‌هایی از ذی‌نفعان محلی که مایل به انجام کنش مشارکتی بودند، قرار گرفت. هماهنگی‌ها و ابزار مورد نیاز تامین گردید و تعدادی پروژه مشارکتی تاکتیکی در سطح محله پامنار به اجرا درآمد.

قلمرو پژوهش

محله پامنار از محله‌های واقع در بخش مرکزی شهر کرمان، در ضلع شمال غربی فلکه شهدا (مشتاق سابق) قرار گرفته و در حوزه بافت قدیم شهر کرمان واقع شده است. این محله از شمال به خیابان ابو حامد، از شرق به خیابان باهنر (ناصریه سابق)، از جنوب به خیابان ایران‌منش و از غرب به خیابان فتحعلی‌شانی منتهی می‌گردد. نزدیکی محله به بازار (قدمگاه) و موقعیت قرارگیری آن در شهر نسبت به شبکه‌های اصلی و از طرفی بافت تاریخی اطراف آن از جمله موارد انتخاب آن بوده است. محله پامنار به دلیل قرارگیری تکیه پامنار، مسجد امام زمان و سایر عناصر مذهبی موجود به عنوان یک قطب مذهبی قوی در ماه‌های عزاداری خصوصاً ماه محرم محسوب می‌شود. مساحت محله برابر است با ۱۵۳۲۹۱,۶۵ مترمربع و جمعیت محله برابر با ۲۵۷۷ نفر است.



شکل ۱- موقعیت محله پامنار در شهر کرمان

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش شامل سه بخش است، نخست ارائه نتایج حاصل از مصاحبه شهروندی-بازدید میدانی (آن گونه که بیان گردید این بخش به صورت مروری ارائه شده است). دوم: بخش ارزیابی اولویت پروژه‌های تاکتیکی، که با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی و دانش کارشناسی انجام گرفته است. در نهایت بخش سوم، که اجرای پروژه‌های تولید و اولویت‌بندی شده در محدوده را گزارش نموده است. بخش‌های یاد شده به ترتیب ارائه و بررسی شده است.

در خاتمه بر اساس مراحل به انجام رسیده در پژوهش حاضر، شکل (۲) با عنوان مدل بسط یافته پژوهش ترسیم شده است. مدلی که کلیت آن می‌تواند منجر به رویکردی کاربردی در پژوهش‌ها و طرح‌های مرتبط با بازآفرینی و احیای بافت‌های ناکارآمد کشور در راستای تأکید به مشارکت شهروندان مورد استفاده قرار گیرد.



شکل ۲- مدل بسط یافته پژوهش، (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

شناسایی پروژه‌های تاکتیکی محله پامنار

با توجه به تعریف انواع برنامه‌ریزی و شهرسازی تاکتیکی و ویژگی‌هایی نظیر مشارکتی-جامعه‌محور، کم‌هزینه، خلاقانه بودن، و نتایج مصاحبه (شناسایی مشکلات، ایده‌ها و تمایل به مشارکت) در جامعه مورد مطالعه و نتایج برداشت‌های میدانی (در ارتباط با شناسایی انواع فضاهای شهری ناکارآمد) اقدام به تهیه و ارائه فهرستی از پروژه‌های تاکتیکی در محله پامنار کرمان (جدول شماره ۲) صورت گرفته است.

جدول ۲- پروژه‌های تاکتیکی تعریف شده برای محله پامنار

حوزه	مشکل	پروژه تاکتیکی قابل تعریف	ذینفعان	فضا
هویت	ضعف هویت محلی	تهیه شناسنامه محله و نصب در میدان و معبر اصلی نصب تابلو مقاصد مهم و تاریخی محله	شهروندان شهرداری خبرین محلی	فضاهای مورد هجوم فضاهای غیرفعال
مسائل فرهنگی-اجتماعی	عدم مراعات هنجارهای اجتماعی توسط مهاجران، اتباع افغان	برگزاری دوره‌های آموزشی برای اتباع افغان توزیع بروشور و نصب بنر در ارتباط با نحوه تعامل اجتماعی	شهروندان محلی شهرداری	فضای مجازی فضای گمشده فضای مورد هجوم
بهداشت محیطی-روانی	بیگانگی شهروندان با یکدیگر	ایجاد فرصت تعامل شهروندان به واسطه برگزاری کارگاه تعاملی رنگ‌آمیزی سطوح و دیواره‌های غیرفعال	شهروندان محلی مالکان شهرداری	فضای غیرفعال فضای باقیمانده
بهداشت محیطی	شلوغی معابر	ایجاد کریدور پیاده (دایمی-موقت) با کارکردهایی نظیر ارائه مواد غذایی توسط فروشگاه‌های سیار و ون‌های غذایی	ساکنین محلی فعالین اقتصادی محلی	فضای مورد هجوم
بهداشت محیطی	فضای غیرفعال محل تجمع زباله و ...	تعریف فضای استراحتگاهی-تفریحی (با استفاده از بلوک‌های رنگ-آمیزی شده و نصب میز و نیمکت، سایبان و درختکاری) در محدوده فضاهای عمومی موجود	ساکنین محلی شهرداری خبرین محلی	فضاهای باقیمانده
ناکارآمدی فضا	ضعف زیرساخت‌های ورزشی-تفریحی در محله	نصب تیرهای فوتبال-والیبال (ثابت) در اراضی بایر و متروک به عنوان فضای بازی کودکان، نوجوانان و جوانان (مبنای تئوریک این پروژه استفاده موقت است)	ساکنین محلی شهرداری خبرین محلی	فضاهای گمشده
	اراضی بایر-متروکه و مخروبه	تهیه بنر و نصب تابلو در کنار اراضی بایر، با مضمون تعیین تکلیف اراضی توسط مالکان	مالکان اراضی شهرداری	فضای غیرفعال-گمشده

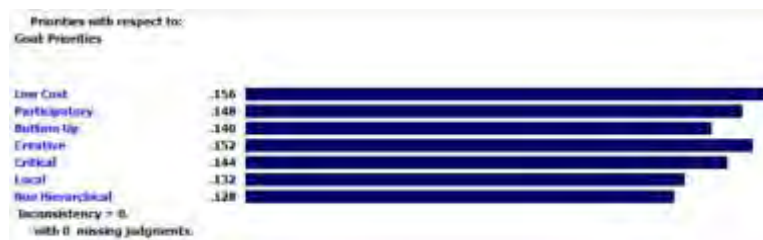
حوزه	مشکل	پروژه تاکتیکی قابل تعریف	ذینفعان	فضا
	اراضی بایر-متروکه و مخروبه	کاشت نهال و گل در محدوده اراضی بایر، متروک-مخروبه با مالکیت خصوصی-دولتی و وقفی، به عنوان اعتراض نسبت به املاک و اراضی رها شده، در راستای رویکرد باغبانی چریکی.	ساکنین محلی	فضاهای گمشده فضاهای باقیمانده
نامانی	مرتبط با فضاهای غیرفعال	رنگ آمیزی سطوح و دیواره‌های غیرفعال در قالب برنامه تفریحی کودک-بزرگسال	ساکنین محلی شهرداری محلی خیرین محلی	فضای غیرفعال
	مرتبط با فضاهای غیرفعال	استفاده موقت در محوطه‌های فضاهای عمومی (محوطه‌های تاریخی، مدارس، مساجد و ...)	ساکنین محلی شهرداری محلی خیرین محلی	فضای غیرفعال
	ضعف ایمنی-امنیت محیطی	تقویت محیط شهری، ایجاد مسیرهای پیاده، مسیر ون‌های غذایی، فعال تا ساعت نیمه شب تقویت دکوراسیون	ساکنین محلی شهرداری محلی خیرین محلی	فضای مورد هجوم فضای غیرفعال
نامانی-معضل بهداشتی	سگ‌های ولگرد	عقیم‌سازی سگ‌ها، جمع‌آوری و انتقال به مراکز نگهداری از حیوانات بی‌سرپرست	شهرداری سازمان دامپزشکی تشکل‌های مردمی	-
اشتغال ناقص	ضعیف بنیاد اقتصادی ساکنان	برگزاری دوره‌های خوداشتغالی-با توجه به ظرفیت ساکنین، تامین مکان توسط دفتر تسهیلگری ایجاد شبکه‌های اجتماعی تبادل کالا و خدمات ایجاد بازارهای روز در محدوده اراضی بایر و مخروبه‌ها، با کسب اجازه از ساکنین، مجوز شهرداری، سازمان اوقاف و امور خیریه	آموزش: ساکنین	فضاهای مجازی فضای غیرفعال فضای گمشده

ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

اولویت‌بندی پروژه‌های تاکتیکی

در این بخش، با رویکرد عملیاتی، ۱۳ پروژه تاکتیکی اولویت‌بندی شده‌اند. شاخص‌های اولویت‌بندی پروژه‌های یادشده بر اساس هفت معیار شهرسازی تاکتیکی به انجام رسیده است. انجام این تحلیل با دانش کارشناسی، با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و در نرم‌افزار ExpertChoice 11 به انجام رسیده است.

در ابتدای فرآیند وزن‌دهی، اقدام به وزن‌دهی شاخص‌های مرتبط با پروژه‌های تاکتیکی صورت پذیرفت. این شاخص‌ها شامل ۷ گزینه است که بر اساس نظرات کارشناسی مشخص شده و مهم‌ترین این شاخص‌ها به ترتیب عبارت بوده‌اند از: کم‌هزینه، خلاقانه، مشارکتی بودن، انتقادی، از پایین (در برابر از بالا)، محلی، و غیر سلسله‌مراتبی.

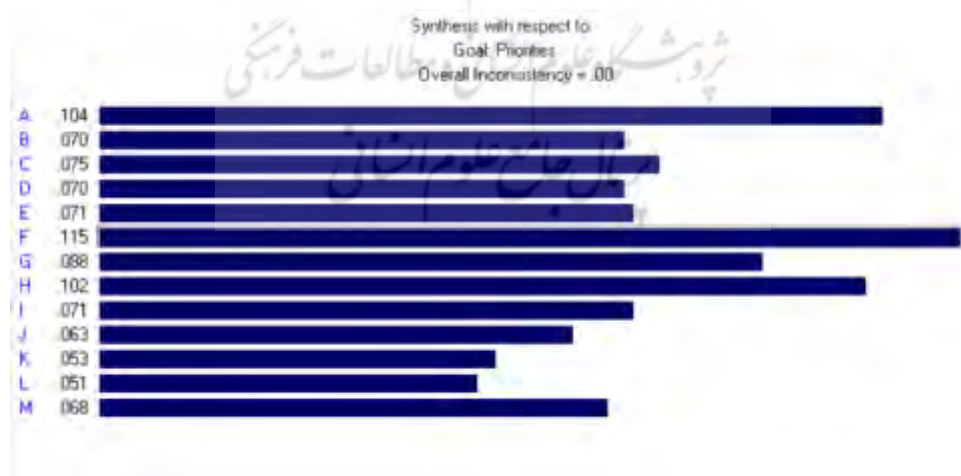


شکل ۳- اولویت‌هریک از شاخص‌های مرتبط با پروژه‌های تاکتیکی. (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

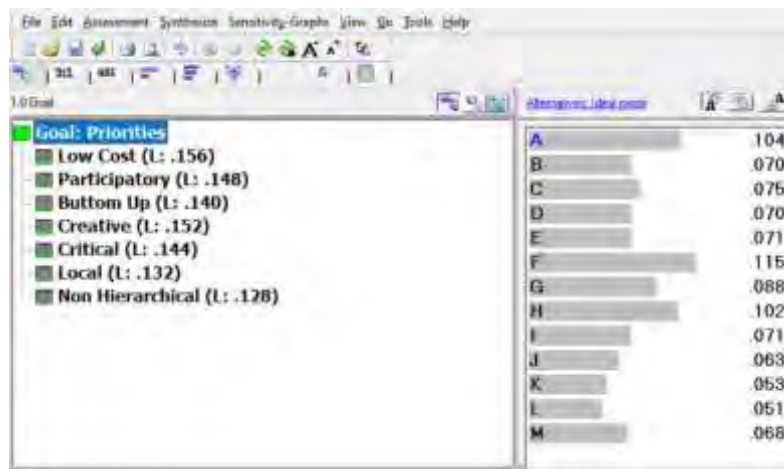
جدول ۳- پروژه‌های تاکتیکی تعریف شده برای محله پامانار

اختصار	پروژه تاکتیکی قابل تعریف
A	تهیه شناسنامه محله و نصب در میدان و معبر اصلی نصب تابلو مقاصد مهم و تاریخی محله
B	برگزاری دوره‌های آموزشی برای اتباع افغان توزیع بروشور و نصب بنر در ارتباط با نحوه تعامل اجتماعی
C	ایجاد فرصت تعامل شهروندان به واسطه برگزاری کارگاه تعاملی رنگ‌آمیزی سطوح و دیواره‌های غیرفعال
D	ایجاد کریدور پیاده (دایمی-موقت) با کارکردهایی نظیر ارائه مواد غذایی توسط فروشگاه‌های سیار و ون‌های غذایی
E	تعریف فضای استراحتگاهی-تفریحی (با استفاده از بلوک‌های رنگ‌آمیزی شده و نصب میز و نیمکت، سایبان و درختکاری) در محدوده فضاهای عمومی موجود
F	نصب تیرهای فوتبال-والیبال(ثابت) در اراضی بایر و متروک به عنوان فضای بازی کودکان، نوجوانان و جوانان (مبنای تئوریک این پروژه استفاده موقت است)
G	تهیه بنر و نصب تابلو در کنار اراضی بایر، با مضمون تعیین تکلیف اراضی توسط مالکان
H	کاشت نهال و گل در محدوده اراضی بایر، متروک-مخروبه با مالکیت خصوصی-دولتی و وقفی، به عنوان اعتراض نسبت به املاک و اراضی رها شده، در راستای رویکرد باغبانی چریکی.
I	رنگ‌آمیزی سطوح و دیواره‌های غیرفعال در قالب برنامه تفریحی کودک-بزرگسال
J	استفاده موقت در محوطه‌های فضاهای عمومی (محوطه‌های تاریخی، مدارس، مساجد و ...)
K	تقویت محیط شهری، ایجاد مسیرهای پیاده، مسیر ون‌های غذایی، فعال تا ساعت تیمه شب تقویت دکوراسیون
L	عقیم‌سازی سگ‌ها، جمع‌آوری و انتقال به مراکز نگهداری از حیوانات بی‌سرپرست
M	برگزاری دوره‌های خوداشتغالی-با توجه به ظرفیت ساکنین، تامین مکان توسط دفتر تسهیلگری ایجاد شبکه‌های اجتماعی تبادل کالا و خدمات ایجاد بازارهای روز در محدوده اراضی بایر و مخروبه‌ها، با کسب اجازه از ساکنین، مجوز شهرداری، سازمان اوقاف و امور خیریه

ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱



شکل ۴- اولویت نهایی پروژه‌های تعریف شده در محله پامانار ، (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)



شکل ۵- نمای کلی تجزیه و تحلیل به انجام رسیده در نرم‌افزار ExpertChoice (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

اجرای پروژه‌های تاکتیکی

پس از تولید انواع پروژه‌های تاکتیکی، اعمال نظر، وزن و اهمیت کارشناسی توسط متخصصان حوزه شهرسازی تاکتیکی، با گروهی از شهروندان که پیشتر، تمایل خود را به مشارکت حضوری و فعال در اجرای پروژه‌های تاکتیکی اعلام نموده بودند، ارتباط مجدد به عمل آمد. انواع پروژه‌های قابل اجرا در محله به آنان اعلام گردید و موافقت آنان برای همکاری جلب گردید (پروژه‌ها به عنوان گزینه مشارکتی در اختیار شهروندان قرار گرفت، آنان مجاز به انتخاب به حضور در هر تعداد پروژه تاکتیکی بودند). این فرآیند طی تماس تلفنی و همچنین در بستر نرم‌افزار واتس آپ با شهروندان به انجام رسید (بخشی از شهروندان مایل به مشارکت فعال، شماره تلفن خود را به پژوهشگر اعلام نموده بودند).

در ادامه، پروژه‌های شناسایی شده به شهرداری منطقه ۵ کرمان و اعضای دفتر تسهیلگری محله اعلام گردید و جلسه‌ای با حضور اعضا شورا اجتماعی محله، شهردار محله، شهردار منطقه پنج کرمان (بافت تاریخی)، معاونین شهرداری منطقه ۵ کرمان، مدیر و اعضا دفتر تسهیلگری محله پامنار و معاون کلانتری ۱۱ تنظیم و برگزار شد. اعضا جلسه ضمن استقبال از آن، تمایل خود را به مشارکت و حضور در اکثر این پروژه‌ها نشان دادند. اما، نصب تیرهای فوتبال-والیبال (ثابت) در اراضی بایر و متروک به عنوان فضای بازی کودکان، نوجوانان و جوانان (مبنای تئوریک این پروژه استفاده موقت است)، مورد مخالفت قرار گرفت. دلیل آنان نیز، تجاوز به مالکیت افراد و سازمان‌ها اعلام گردید.



شکل ۶- جلسه با حضور اعضا شورا اجتماعی محله، شهردار محله، شهردار منطقه پنج کرمان (بافت تاریخی)، معاونین شهرداری منطقه ۵ کرمان، مدیر و اعضا دفتر تسهیلگری محله پامنار و معاون کلانتری ۱۱ کرمان، (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

در نهایت مجموعه‌ای از هماهنگی‌ها بین سه ذی‌نفع عمده (به همراه پژوهشگر) به عمل آمد، زمان و موارد مورد نیاز، نیز افراد لازم، جهت انجام هر پروژه تعیین گردید. لیست چندین پروژه اجرا شده، در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۴- پروژه‌های تاکتیکیال اجرا شده در محدوده محله پامنار کرمان

مستندسازی تصویری	مشارکت- ذی‌نفع	اقدام
	<p>دفتر تسهیلگری، شهروندان و معتمدین محلی</p>	<p>تشکیل کارگروه مشارکتی</p>
	<p>هماهنگی با سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صنعت‌گران محلی</p>	<p>پیگیری و دریافت تابلوهای آدرس‌دهی اماکن تاریخی</p>
	<p>هماهنگی با سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرمان</p>	<p>جمع‌آوری سگ‌های ولگرد توسط آقای کارگر (ساکنین محله) و انتقال به کیلومتر ۱۱ جاده کوهپایه جهت نگهداری</p>
	<p>هماهنگی با شهرداری کرمان و مشارکت شهروندان و همسایگان واحدهای مخروبه-متروکه</p>	<p>نصب بنر و تابلوی هشدار به مالکین جهت تعیین تکلیف اراضی، بناهای مخروبه دیوارکشی و محصورسازی مخروبه‌ها</p>
	<p>شهروندان-شهرداری</p>	<p>کاشت ۲۰۰ نهال در سطح محله</p>

مستندسازی تصویری	مشارکت- ذی نفع	اقدام
	شهروندان محلی، دفتر تسهیلگری،	برگزاری دوره‌های آموزشی برای اتباع افغان، با تاکید بر زنان
	دفتر تسهیلگری، خیرین محلی، تشکل مردم‌نهاد طلوع بی- نشان‌ها	شناسایی مخروبه-ها، کانون‌های تجمع افراد بی-خانمان و معتادان متجاهر، توزیع غذا بین این گروه‌ها، به منظور جلوگیری از سرقت و ..
	زیر نظر دفتر تسهیلگری، معرفی افراد و شماره‌هایی که در این پژوهش مایل به مشارکت شناسایی شده‌اند (با رضایت خود این افراد)	راه‌اندازی کانال واتساپ، برای ساکنین محله، با کارکردهای مشاوره، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی
	شهروندان، دفتر تسهیلگری	برگزاری کارگاه‌های آموزشی قصه‌گویی، مهارت‌های زندگی، کرونا ویروس و خود مراقبتی و....

ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

در این بین، مهم‌ترین موردی که در این پژوهش، با رویکردی چریکی، انتقادی و تا حدودی غیرقانونی تلقی می‌گردد یعنی "نصب تیرهای فوتبال-والیبال (ثابت) در اراضی بایر و متروک به عنوان فضای بازی کودکان، نوجوانان و جوانان (مبنای تئوریک این پروژه استفاده موقت است)" که به نوعی مصادره موقت املاک خصوصی، دولتی و وقفی به نفع عموم جامعه است، فرصت اجرا و تحقق نیافت. دلیل این امر، در چندین مورد قابل خلاصه نمودن است، نخست، مخالفت شهرداری با چنین اقدامی بوده است. دوم، ترس شهروندان از عواقب قانونی چنین عملی شناسایی شده است. همچنین،

برخی از شهروندان ساکن در محله، مالک برخی از این اراضی بایر و مخروبه بوده‌اند که از استفاده از این اراضی به نفع عمومی، هرچند به صورت موقت مخالف بوده‌اند. اما از طرف دیگر صرف طرح چنین طرحی، به مثابه یک شک، انگیزه‌ای در ذهن مالکان، جهت ساماندهی به وضعیت املاک مخروبه و اراضی بایر خود ایجاد نمود، که به نحوی در راستای بخشی از هدف شهرسازی تاکتیکی تلقی می‌شود. امید است که پژوهش حاضر، در بعد اجرایی در دو مسیر موجب رونق زیست شهری در محدوده محله پامنار کرمان گردد، نخست، پروژه‌های تاکتیکی اجرا شده، بتواند موجب بهبود کیفیت زندگی شهروندان در سطوح مختلف گردد. دوم، که به مراتب مهم‌تر از مورد نخست است، روح مشارکت، هم‌افزایی محلی، هویت جمعی و دموکراتیک را در محدوده ایجاد و تقویت نماید. امری که مبتنی بر این واقعیت بنیادین است که آفرینش مجدد و زوال هر محدوده جغرافیایی در درجه نخست به سطح خردورزی، مشارکت و تعامل شهروندان آن محدوده بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

اهمیت رویکرد تاکتیکی در شهرسازی، رویکردی درون‌زا و با پیشنهاد تمرکز بر مسائل خرد، ضروری و حیاتی برای جامعه، به دنبال راهکارهای عینی و زودبازده است. برخلاف آنچه که در طرح‌های توسعه شهری رایج در ایران، که به دنبال اهداف بلندپروازانه، آمرانه و دور از ذهن است. طرح‌هایی که حتی در صورت تحقق اهداف، با صرف هزینه‌های کلان که بایستی سود یکسانی به تمام شهروندان برساند، طرح‌هایی که در بنیاد فاقد نگاه اجتماعی است، شهر و محلات آن را تنها سازه‌هایی می‌پندارند که در صورت نو شدن، می‌توانند سایر مسایل اجتماعی-اقتصادی را برطرف نمایند. از طرف دیگر، یکی از مشکلات پژوهش حاضر، که مرتبط با سابقه طولانی تهیه و اجرای طرح‌هایی نظیر بهسازی بافت فرسوده-تاریخی در محدوده مورد مطالعه بوده است، عدم تمایل بخش‌هایی از جامعه به انجام مصاحبه بوده است. شهروندانی که یا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم عبارت بیهوده و بیهودگی را در ارتباط با هرگونه فعالیت (رسمی) مرتبط با بهبود شرایط زیست در محله، به زبان می‌آوردند. بدین معنی، شنیده نشدن صدای جامعه، یا شنیده شدن تصنیف این صدا (یا به تعبیر عامیانه شنیدن حرف جامعه جهت خالی نبودن عریضه) سرمایه اجتماعی جامعه را فرسایش داده است. در این پژوهش اما، تلاش گردید آنچه که عینی، آنی، ضروری و شدنی است، با رویکردی منطبق با نیازهای واقعی جامعه تا مرحله اجرا امتداد داده شود. در این راستا، بررسی‌های دقیق تئوریک، تدقیق در نمونه‌های عملیاتی عمدتاً خارجی به عمل آمد. سپس با مصاحبه شهروندی، دو گام اساسی پوشش داده شد، نخست، نیازهای محل شناسایی گردید و دوم، افراد مایل به مشارکت (به مثابه کنش واقعی) شناسایی گردید. در مرحله بعد، بازدیدهای میدانی، انواع مختلف فضا را شناسایی نمود. در مرحله بعد ترکیب مفاهیم تئوریک و نیازسنجی محلی (به همراه انواع مختلف فضا) منجر به خلق پروژه‌های تاکتیکی و اولویت‌بندی این پروژه‌ها شد. در مرحله پایانی، جهت اجرای این پروژه‌ها با استفاده از همکاری و مشارکت انواع مختلف ذی‌نفعان، هماهنگی‌های لازم به عمل آمد و مجموعه‌ای از پروژه‌های تاکتیکی به اجرا درآمد. لذا در مجموع می‌توان نوآوری پژوهش حاضر را در تغییر نگاه سلسله‌مراتبی و یافتن راهکارهای اجرایی (عملیاتی-واقعی) با تاکید بر توانایی‌ها و نیازهای جامعه محلی جست، امری که به عنوان تغییری پارادایمی نیاز برنامه‌ریزی شهری و به طور خاص طرح‌های مربوط به احیا و بازآفرینی بافت‌های قدیم و بافت‌های ناکارآمدی شهری کشور است.

پیشنهادها

در راستای نتایج پژوهش، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- تبیین مدل استفاده موقت از فضاهای متروک و بایر، راهکار ارتقای عملکرد بافت‌های ناکارآمد شهری
- فضاهای نوظهور مجازی و شبکه‌های اجتماعی، راهکارهای ارتقای اجتماع و اقتصاد نواحی شهری

- شهرسازی چریکی، راهکار تحریک توسعه و احیای مناطق و محلات ناکارآمد شهری.
- تقویت شمولیت فضایی با رویکرد شناسایی فضا و اختصاص کاربری بهینه دائم-موقت
- استفاده موقت از راهکار افزایش نظارت‌پذیری اجتماعی و کاهش امکان بروز جرم

منابع

- آقائزاد بودری، هادی؛ رشیدقلم، مرتضی. (۱۳۹۶). *طراحی فضای گمشده زیر پل‌های شهری با استفاده از ویژگی‌های مکان (مطالعه موردی پل آذرآبادی، تبریز)*. پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی، تهران، ۴۵-۱۲.
- رزایی، ناصر؛ ماجدی، حمید؛ زرآبادی، زهراسادات؛ ذبیحی، حسین. (۱۳۹۷). *تبیین نقش عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز)*. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹-۴۷، (34 #a00335)
57. Retrieved from <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=361415>
- زنگی‌آبادی، علی؛ عبدالهی، مهدی؛ سالک فرخی، رقیه؛ قاسم‌زاده، بهنام. (۱۳۹۳). *ارزیابی عوامل اثرگذار بر عدم تحقق‌پذیری طرح‌های جامع شهری در ایران و چالش‌های مربوط به آن (مطالعه موردی: محور تاریخی- فرهنگی منطقه ۶ شهر تبریز)*. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵، (18), 41-58. Retrieved from <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=228346>
- سعیدی، جعفر؛ صفایی‌پور، مسعود. (۱۳۹۴). *بررسی عوامل مؤثر در ناکارآمدی طرح‌های توسعه شهری ایران*. مطالعات مدیریت شهری، ۷، (22), 12-30. Retrieved from http://ums.srbiau.ac.ir/article_9158.html
- گرشاسبی، دلارام؛ بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۵). *تأثیر رنگ بر ادراک فضاهای شهری و رفتار انسان‌ها نمونه موردی: کوچه مهرناز*. واقع در ضلع جنوبی خیابان انقلاب، حد فاصل بین خیابان جمالزاده و میدان انقلاب. Paper presented at the *همایش ملی معماری و شهرسازی از نظریه تا عمل*. <https://civilica.com/doc/۶۵۱۵۲۵>
- نجفی، مرتضی. (۱۳۹۷). *نقش اغذیه‌فروشی‌های شبانه‌روزی سیار در ارتقاء امنیت خیابان سی تبر*. Paper presented at the *چهارمین همایش ملی معماری و شهر پایدار*. <https://civilica.com/doc/۸۷۳۰۳۴>
- وحیدی برجی، گلдіس؛ نوریان، فرشاد؛ عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۹۶). *شناسایی علل عدم تحقق کاربری‌های پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه‌زینا - هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۶۹ (۲۲)، ۵-۵۱۴.
- Campo, D. (2016). Book Review: *Tactical Urbanism: Short-Term Action for Long-Term Change*. Journal of Urban Design 21 (3), 388-390.
- Craig, D. (1990). Social impact assessment: *Politically-oriented approaches and applications*. Environ Impact Assess Rev 1990;10, 37-54.
- Davidson, T. M (1998). *An end to unemployment in Europe: from breakdown to breakthrough. Technology in Society*. 20(4), 407-419. doi:[https://doi.org/10.1016/S0160-791X\(98\)00025-6](https://doi.org/10.1016/S0160-791X(98)00025-6).
- Douglas, G.C.C. (2014). *Do-it-Yourself Urban Design: The Social Practice of Informal "Improvement" Through Unauthorized Alteration*. City & Community 13 (1), 5-25.
- Douglas, G.C.C. (2018). *The Do-It-Yourself City: Legitimacy and Inequality in DIY Urbanism*. New York: Oxford University Press.
- Du, M., Kong, N., Hu, X., Zhao, L. (2018). *Tactical Production and Distribution Planning in Urban Logistics under Vehicle Operational Restrictions*. Procedia

- Silva, P. (2016). Tactical Urbanism: *Towards an Evolutionary Cities' Approach*. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science* 43 (6), 1040–1051.
- Vallance, S., A. Dupuis, D. Thorns, S. Edwards. (2017). *Temporary Use and the Onto-Politics of 'Public' Space*. *Cities: The International Journal of Urban Policy and Planning* 70, 83–90.
- Webb, D. (2018). *Tactical Urbanism: Delineating a Critical Praxis*. *Planning Theory & Practice* 19 (1): 58–73.
- Yassin, H. H. (2019). Livable city: *An approach to pedestrianization through tactical urbanism*. *Alexandria Engineering Journal*, 58(1), 251-259.
[doi:https://doi.org/10.1016/j.aej.2019.02.005](https://doi.org/10.1016/j.aej.2019.02.005).

